

قیام خونین تبریز

راهی که نوید بخش قیام و مبارزه مسلحانه توده‌هاست

بهمن‌ماه ۵۶

۲۱

یون
یکهزار و سیصد و پنجاه و شش

قیام خونین تبریز، راهی
که نوید بخش قیام و مبارزه
مسلحانه توده‌هاست

UEIF
فدراسیون
مصلین و دانشجویان ایرانی در فرانسه

فهرست

- ۱- پیام به قیام کنندگان دلیر تبریز
 - ۲- آنچه در تبریز گذشت
 - ۳- نگاهی به تغییر و تحولات چند ساله اخیر جامعه ایران
 - ۴- بررسی قیام تبریز
- مضمون حرکت جنبش در تبریز چیست؟
- امر سازماندهی قیام چگونه ارزیابی میشود؟
- شرکت نیروهای انقلابی و آگاه در قیام چگونه تصویر می‌گردد؟
- ۵- قیام خونین تبریز و وظائف مبارزاتی ما را چگونه مشخص ترمیکند؟

ما شرکت کنندگان در میتنگ سازمان محصلین و دانشجویان ایرانی در پاریس (عضو فدراسیون فرانسه) که بمنظور اعلام همبستگی باقیام پرشکوه تبریز، در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۷۸ در کوی دانشگاه پاریس - خانه دامارک تشکیل گردیده است، درودهای پرشور خود را به شما شیر زنان و شیر مردانی میارستیم که در چند روز گذشته، با سازمان دلاورانه خود لوله بر پیکر رژیم دست نشانده شاه انداختید.

درود به آنانیکه حتی از نارخون خود در رخ نداشتند تا برگ زمین دیگری بر تاریخ مبارزات دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلق ایران بیافزایند.

درود به آنانیکه با خروش رعد آسای خود نوید انقلاب رهایی بخش را به توده های زحمتکش دادند.

درود به آنانیکه با عمل قهر امیز خود ثابت کردند که "خلق فقط خلق است نیروی محرکه که تاریخ جهان را میسازد."

قیام قهرمانانه شما با مضمون صریحا ضد امپریالیستی خود، افشاگر نظرات سازشکارانه ای است که مبارزه دموکراتیک را در مخالفت با دیکتاتوری شاه خلاصه میکند.

قیام پرشکوه شما پیروزی بزرگی برای خلق است، زیرا این اولین قیام وسیع توده های در دوران حکومت کودتا میبایست که رژیم مزدور پهلوی را به عقب نشینی واداشت. اگر دشمن تا بسندان مسلح در مقابل عزم راسخ توده ها به زانو در آمد، این به آن دلیل است که اولاً این قیام، با طرد شیوه های مسالمت آمیز و مقاومت منفی، مبارزه تهر آمیز و تهاجمی را علیه ارتجاع برگزید و ثانیاً تلفیق کار عملی و منفی توده ای و همچنین داشتن یک برنامه حرکت و اعمال تاکتیکی مناسب در سر تکاملی مبارزه ابتکار عمل را از دشمن کاملاً سلب کرد. در واقع همین علل است که نقش نیروهای انقلابی خلق را در برپا داشتن قیام قهرمانانه تبریز و در راه سیاسی ورزنده تر نمودن آن می نمایاند و نوید فردای روشنی را به خلق ستمکش ایران میدهد، چرا که پیروزی نهایی توده ها در گرو هر چه فشرده تر شدن پیوند بین جنبش نویسن انقلابی با جنبش های توده ای و وارد شدن تئوری پیشور در درون توده های زحمتکش خلق است.

با این دید است که امروز ما همبستگی عمیق خود را با مبارزه شما رزمندگان راه انقلاب گلگون ایران اعلام میداریم: قیام شما گامی است در جهت تدارک قیام و مبارزه مسلحانه توده ها، برای درهم شکستن نظام غارتگر موجود و تأمین حاکمیت زحمتکشان.

* گرامس با قیام خونین تبریز، راهی که نوید بخش قیام و مبارزه مسلحانه توده های خلق ماست!

* برافراشته باد پرچم مبارزه مسلحانه توده ای تنها راه رهایی خلق!

* پیروز باد جنبش خلق قهرمان ایران و پیشتازان جنبش نوین انقلابی!

* سمرنگون باد رژیم مغفور شاه خائن سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا!

شرکت کنندگان در میتنگ قیام پرشکوه تبریز

" ای آزادیخواهان که عهد و میثاق بسته‌اید یا بپذیرید یا ایران را آزاد کنید بیائید قول "

" شرف خود را تکرار کنید که ایران را به آزادی واقعی نایل خواهید ساخت "

(شیخ محمد خیابانی)

تبریز قهرمان که در سالهای ۱۹۱۱ - ۱۹۰۸ همچون مشروطه پرخروش می طپید و ملت با از عشق به آزادی بود تبریز سرزمین آزادیخواهان ، سرزمین حیدرها ، سرزمین مجاهیدین ، سرزمین بانکهای آزادی سرزمین سرخ اینک بار دیگر به غلیان درآمده است . بار دیگر مردی کفهد و میثاق بسته اند که در راه آزادی و استقلال میهن نبرد کنند بپاخاسته اند و اینک پرچم شکوه انقلاب ایران را در سنگری دیگر برافراشته اند سنگری از آتش و خون سنگری از دلاوری و ییادگار سنگری از قیام پرشکوه زحمتکشان خلق و شنبه خونین ۲۹ بهمن شنبه قیام نوده ها بهترین تبلور آنست . قیام قهرآمیز تبریز سمبلی دیگر از رزم دلاورانه خلق آذربایجان علیه نظام وابسته گونی است .

یک هفته بود که تبریز بحالت نیمه تعطیل درآمده بود ، بازار تعطیل است ، مدارس و دانشگاهها نیمه تعطیل اند ، تظاهرات کوچک چندی از گوشه و کنار شهر بوقوع می پیوند دلی اینهمه هنوز سرآغاز کوچکی از یک نبرد بزرگ است . شنبه صبح مردم زحمتکش دسته دسته به خیابان می آیند گروهها فشرده تر میشوند و سپس صدای رسای راسا از آزادیخواهی بگوش میرسد شعارهای ندر رئیس - خدا امپریالیستی شهر را به لرزه در میآورد تظاهرکنندگان از خیابانهای شهر حرکت بزرگ خود را آغاز می کنند :

بخش اول از خیابان گورش و خیابان شهنواز شمالی وارد چهارراه شهنواز میشود بخش دوم از طریق خیابان شهنواز جنوبی به این بخش می پیوند و سپس در چهارراه شهنواز تظاهر کنندگان دو قسمت شده عدهای بطرف باغ گلستان و بقیه بطرف میدان شهرداری حرکت می نمایند همزمان با آن بخش دیگری از طریق خیابان دارایی ، فردوسی ، تربیت وارد میدان شهرداری میشود . عدهای از مردم که بقصد رفتن به مسجد بازار در بازار گردآمده بودند بسر اثر شعارهای عناصر مبارز از رفتن به مسجد خودداری نموده و به بقیه تظاهرکنندگان ملحق می گردند . در میدان شهرداری دهها هزار تظاهرکننده در چهار بخش : طرف شاهپور شمالی ، شاهپور جنوبی خیابان پهلوی و دانشگاه تبریز حرکت می نمایند در جلوی گروههای مختلف تظاهرکنندگان یک موتور سوار حرکت میگرد که خرجین موتور حامل کوکل مولوتف برای حمله بوده است .

در این راه پیمایی و تظاهرات پرشکوه مبارزین دلاور کلیه موسسات و اهره های ارتجاع و امپریالیسم را مورد حمله شدید خویش قرار داده و بیش از ۵۰۰ کانون استشار و سرکوب امپریالیستی و سرمایه داری وابسته در زیر قدرت خشم واراده توده های بپاخاسته به تلهای خاکستر ویا ویرانه تبدیل می گردد ۷۳ شعبه بانک که از ابزارهای بزرگ استثمار و غارت خلق مابوسی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته ایران است یعنی شعبات بانکهای ایران و انگلیس صادرات ، ملی شهریار ، رهنما ، سپه و تهران ... مورد حمله شدید واقع شده اند که ؟ بانک کاملاً سوخته و از بین رفته اند اولین بانکی که مورد حمله تظاهرکنندگان واقع شده اند که ؟ بانک

کاملاً سوخته و از بین رفته اند اولین بانکی که مورد حمله تظاهرکنندگان واقع شده بانک ایران و انگلیس این بانک سابقه دار امپریالیستی است که سالیان دراز به استثمار خلق دلاورمایر داشته است از ۹ سینمای مورد حمله واقع شده که از مراکز مهم اشاعه فرهنگ سخط امپریالیستی در میهن ماست ؛ سینما درآتش کاملاً سوخت و از بین رفت از جمله این چهار سینما ، سینمای کاخ جوانان می باشد که سهم بزرگی در تبلیغ و ترویج فرهنگ استعماری در بین جوانان داشته است . ؛ هتل اشرافی که محل زندگی خارجیان بوده ، انجمن فرهنگی ایران و آمریکا ، به همراه تعداد بسیاری انومیل دولتی ویلیس کیسک راهنمایی و... نیز از مراکز مهم مورد حمله مردم دلاور تبریز بوده است . ساختمان اداره دادگستری یا بی عدالتخانه رژیم در درگاه عدالت خلق محکوم به نابودی شد و چنین هم گردید ساختمان مراکز حزب فاشیسی رستاخیز درآتش توده ها به نلی از خاکستر بدل شد و کارخانه پپسی کولا این مظهر استثمار سرمایه داری وابسته این تبلور آشکار صهیونیسم ، مورد حمله شدید قرار گرفت.

این فقط گوشه ای از بسیار مراکزی است که در حمله قیام کنندگان دلاور تبریز به انهدام کشید شده اند تظاهرکنندگان که مجهز به سنگ و چوب ، کوکول مولوتف و وسایل دیگر حمله بودند از طرق دربارزه و درگیری با پلیس و مزدوران رژیم منفور شاه در پیکار و نبردی رویاروی درس دلاوری میدادند و نشان میدادند زحمتکشان که بپاخاسته اند چگونه نیروهای قهری سرکوبگر رژیم را در زیر مشت های پولادین قهرخویش قرار میدهند و از طرف دیگر کلیه مراکز و کارخانه های استثمار از زحمتکشان میهن ما را مورد تهاجم خویش قرار میدادند و نشان میدادند که تا نهاد آنها کل این نظام غارتگر و استثمارگر به پیش خواهند رفت فریادهای رسانیشان در طنین خود و ندای آزاد یخواهانه میلیونها زحمتکش ایرانی را انعکاس میداد و پژواک صدایشان را در دیگر نقاط ایران چنانکه خواهیم دید شنیده شد و هر روز رساتر خواهد شد پژواک صدای خلق ، پژواک صدای زحمتکشان فریاد خونین زحمتکشان است . و این فریادهای رسا و این مشت های گره کرده مشت ها که روزی اسلحه بدست خواهند گرفت را هیچ قدرتی توانایی درهم شکستنش را ندارد . پلیس مزدور شاه در این تهاجم توده های زحمتکش مفتضاحانه راه گریز در پیش گرفت و ارتش ضد خلقی رژیم منفور شاه که با خود تجارب سرکوب خلق های دلاور جهان را توسط امپریالیست ها حمل می نماید پس از ۱۵ سال که از قیام خیزین ۱۵ خرداد می گذرد برای سرکوب مستقیم مبارزات توده ها

خلق وارد شهر شد این مسلسل های آمریکایی و اسرائیلی بودند که قلب توده ها را نشانه می رفتند و این سیلاب خون بود که بر خیابانها جاری میگشت یاد ۵۰۰ شهید دلاور خلق که رژیم منفور شاه فقط اسامی و تن آنها را اعلام نموده است ، ای ————— رهبران راه آزادی این رهروان راه حیدرین مجاهدان دلیر این دلاوران را گرامی داریم و یکبار دیگر پیمانمان را باز زحمتکشان ایران در راه رهایی خلق مستحکم تر نمائیم . تظاهرات ۹ ساعت و صبح آواز شده بود ساعت ۹ شب در سرکوب شدید ارتش ضد خلقی رژیم شاه آرام یافت ولی پایان نرسید . و این آغاز نبرد پرشکوه دگری است ۱۲ ساعت در خون و آتش انقلابی توده ها ، ۱۲

ساعت پیکار دلاورانه ۱۲ ساعت نبرد توده ها این نیروهای لایزال تاریخ " ۱۲ ساعت قیام یی شکوه ، در دل خود در سبای گرانبهای دارد که خلق ما و زحمتکشان میهن ما از آن می آموزند در این قیام بزرگ طبق گفته خود رژیم میزان بخشی از خساراتی که به رژیم وارد آمده رقمی

معادل ۱۷۰ میلیون ریال است این رقم بدون محاسبه خسارات بانکها و ادارات مهم دولتی بوده است. در حال حاضر در شهرتبریز حکومت نظامی برقرار است ولی شهر به هیچوجه آرام نیست رژیم منور شاه دست بد دستگیری وسیع مردم قهرمان زده است و به گفته خود رژیم میسران دستگیرها ۶۰۰ نفری باشد. طبیعتاً این رقم صحیح نبوده و دستگیرها بسیار بیش از اینست و در میان آنها رژیم بدنیاال عاصر انقلابی میگرد. این کوشش مذبحخانه رژیم در میان رسمیترین نمایندگان آن کاملاً هویدا است که خراهان دستگیری مجازات بقول خودشان " مسیبان" واقع شده می باشند رژیم شاه پس از این قیام پر شکوه است به تبلیغات ارتجاعی وسیعی زده است و بنگام خود سعی می کند از گسترش مبارزات در سایر نقاط ایران جلوگیری بعمل آورد اگر بهنگام قیام پر شکوه تبریز بایستن کلیه راعهای ارتباطی سعی نمود از گسترش و نفوذ آن در سایر نقاط ممانعت کند اینک باین تبلیغات کشف خود در پی توجه سرکوب زحمتکشان در پی قدرتمانی خود، دبی فریب زده های زحمتکش و... برآمده است تا مبارزات دلاورانه مردم تبریز را اگر در آنجا بوسیله ارتش سرکوبگرش به سرکوب نظامی قیام کنندگان پرداخت در اینجا از کلیه ابزار تبلیغاتی خود برای سرکوب سیاسی - ایدئولوژیک جنبش استفاده می کند. ولی پژواک صدای پر شکوه هزاران هزار مردم قهرمان تبریز امروز در افضی نقاط میهنمان بگوش میرسد دانشجویان دانشگاههای تهران به تظاهرات وسیعی دامن زده اند و در شهرها مختلف در دفاع از مبارزات مردم قهرمان تبریز تظاهرات و مبارزه اوج گرفته است. شهر تبریز علیرغم حکومت نظامی شدید آرام نیست. قیام مردم قهرمان روز یکشنبه نیز ادامه داشته است و هم اکنون شهر در حالت ملتهب و در تب مبارزات خشم آلود مردم زحمتکش می سوزد.

" مقارن سالهای ۵۰-۴۹ (۷۱-۷۰) دگرگونیهای شدیدی در جهت گسترش سرمایه‌داری ایران پیداشد ، این دگرگونیها که معلول افزایش درآمد نفت ، بکریودن بازارهای داخلی، شروتهای هنگفت زیرزمینی ونیروی کارفراروان وارزان بود . رشد سرسام آوری را برای سرمایه‌داری ایران امکانپذیر ساخت . این رشد باافزایش مجدد و مستمر درآمد نفت ، طی همین سالها وخصوصا از سال ۵۲ ببعده ، باجهنمی فوق العاده ادامه پیدا کرد . " (نقل از " ظهور امپریالیسم ایران در منطقه وتحلیلی بر روابط ایران وعراق " از : سازمان مجاهدین خلق ایران)

درچند سال اخیر ما شاهدآیم که رشد وگسترش سریع مناسباتسرمایه‌داری وابستهدرایراناز یکطرف تضادهای درونی سرمایه داری ایران راحادتر کرده واز طرف دیگر بحران اقتصادی - سیاسی امپریالیسم در سطح جهانی ، درتسریع حادثر شدن این تضاد ها اثرومیگذارد .

تضادهای درونی سرمایه دار ایران عمدتا بین سه گروه آتست : جناح شاه ، جناح شاه ، جناح انصاری وبورژوازی لیبرال ، جناح شاه که در راس هیئت حاکمه ایران قرار دارد ، بادر دست داشتن ، قدرت سیاسی - نظامی - پلیسی ، مهمترین حافظ منافع امپریالیسم ، بویژه امپریالیسم آمریکا در میهن مامت ، جناح انصاری که بخت دیگر هیئت حاکمه را تشکیل میدهد ، درهمکاری با باند شاه سهم کوچگری را در غارت خلق ما دارد . بورژوازی لیبرل عبارت از سرمایه داری متوسط ایران است که باوجوداینکه درک بخشی از سرمایه‌داری ایران است ، ولی درمقایسه با سرمایه‌داری بزرگ وابسته ، یعنی سرمایه‌دارییی که قدرت سیاسی را در دست دارد ، ازقدرت کمتری برخوردار است ودر نتیجه جایی در هیئت حاکمه ندارد .

از آنجائیکه سرمایه‌داری ایران از متحرکترین انواع سرمایه‌داری درجهانست که در آن دولت نقش کاملاً اساسی وتعیین کننده ایفا میکند ، رشد وگسترش سرمایه‌داری از یکطرف تاثیر مهمی بر تمرکز قدرت ورشد بیشتر دولت وارگانهای سیاسی - پلیسی نظام میگذارد ، از طرف دیگر همین بسط مناسبات سرمایه‌داری باعث رشد سریع سرمایه‌داران متوسط میشود . سرمایه‌دارانی که سهمی از این قدرت را ندارند . نتیجه این پروسه چیزی جز حادثر شدن تضادهای درونی سرمایه‌داری وبویژه تضاد بین رژیم حاکم وبورژوازی لیبرال ، نمیتوانست باشد .

اما بسط مناسبات سرمایه داری نه تنها حادثر شدن تضادهای درونی سرمایه داری ، بلکه همچنین وبویژه حادثر شدن تضاد عمده جامعه ما یعنی تضاد بین خلق وضد خلق را باعث گشته است . در این بین مبارزه ضد ارتجاعی طبقه کارگر از اهمیت خاصی برخوردار است . اصولاً چون ظهور ورشد سرمایه داری در هر جامعه‌ای الزاما ظهور ورشد طبقه کارگر را به همراه دارد ، در جامعه ایران نیز شکل‌گیری این طبقه به همراه دوره های مختلفی که سرمایه دار گذرانیده بتدریج انجام پذیرفته است . مشخصاً در سالهای ۴۰ ، بورژوازی با در دست گرفتن کامل حکومت ایران ، باعث رشد هرچه بیشتر عناصر متضاد خود یعنی کارگران وبعث انسجام وتشکل

طبقاتی هرچه بیشتر این طبقه گردید. مسلم است که اگر با بعرضه جامعه گذاشتن سرمایه داری در سالهای ۴۰ بعنوان وجه تولید غالب در ایران، نقش طبقه کارگر را بمثابة آنتی تز این سیستم، از اهمیت خاصی برخوردار کرد، رشد فزاینده سرمایه داری در سالهای ۵۰ این اهمیت را بیش از پیش نمود، چنانکه امروز ما شاهد اعتلای جدیدی در جنبش کارگری ایران میباشیم.

در چنین شرایطی، که اقتصاد ایران بیش از پیش در سیستم سرمایه داری جهانی حل میشود و در نتیجه از یکطرف سنگینی بحرانی را که گریبان اقتصاد امپریالیستی را گرفته است هر چه بیشتر بر دوش زحمتکشان میهن ما میاندازد و از طرف دیگر گسترش مناسبات سرمایه داری ایران باعث سربندی هرچه صریحتر بین بورژوازی و توده های زحمتکش میشود، طبیعی است که نه تنها مبارزه قهرآمیز طبقه کارگر، بلکه مبارزات دموکراتیک - ضد امپریالیستی زحمتکشان دیگر و بطور کلی همه اقشار و طبقات خلقی اوج جدیدی بگیرد.

ولی دستاوردهای چند سال اخیر جنبش خلق به مبارزات توده ها خلاصه نمیشود، بلکه جنبش آگاه را هم در برمیگیرد. در واقع پروسه سریعی که اقشار و طبقات زحمتکش خلق و بویژه طبقه کارگر ایران طی کرده، زمینه عینی را برایکلیزه شدن آن حرکت انقلابی بود که در سطح جنبش آگاه جامعه، نمایندگی توده های زحمتکش را میکند. دستاوردهای پیشروترین بخش جنبش نوین انقلابی، یعنی بخشی که پرچمدار پیگیرترین مشی دموکراتیک جنبش است اوج گیری جنبش های توده ای که بقول رفقای مجاهد "اولین علائم توفان و تلاطم انقلابی توده هاست" آن دو عامل امیدوارکننده ای است که نوید فردای روشنی را بخلق قهرمان ایران میدهد. درصورت دستاوردهای درخشان این بخش از جنبش نوین انقلابی، کسب آمادگی هرچه بیشتر، چه در زمینه تئوریک و چه در زمینه عملی، در جهت بردن تئوری پیشرو در دل توده های زحمتکش و بویژه طبقه کارگر، برای استقبال از توفان انقلابی توده ها قرار دارد.

رشد تضاد بین خلق و ضد خلق تاثیر مهمی بر روی حادثه شدن تضادهای درونی سرمایه داری و بویژه تضاد بین هیئت حاکمه و بورژوازی لیبرال دارد. مبارزات قاطع توده های زحمتکش و نمایندگان انقلابی آنان، علیه رژیم مغفوری پهلوی، این امید را در بورژوازی لیبرال تقویت کرده که با سوء استفاده از نیروی خلق، میتواند به هیئت حاکمه بتازد و منافع طبقاتی خود را تامین کند. بدین منظور بورژوازی لیبرال بهر مستمکنی متوسل میشود تا جنبش خلق را از مسیر انقلابی خود منحرف سازد و سطح مبارزات دموکراتیک - ضد امپریالیستی را تا سطح یک مخالفت ضد دیکتاتوری شاه تنزل دهد، چراکه فقط دیکتاتوری شاه است که مانعی در راه تامین کاملتر منافع طبقاتی بورژوازی لیبرال میباشد و گرنه وجود کل سیستم سرمایه داری وابسته ایران نه تنها هیچ منافاتی با این منافع ندارد، بلکه اساسا رشد دهنده سرمایه داری متوسط است. بارزترین تبلور این سیاست بورژوازی لیبرال در کانالیزه کردن جنبش خلق در جهت مخالفت با دیکتاتوری شاه، در شعار "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" کجیته مرکزی خائن دید میشود که با این شعار این عامل دولت ضد خلقی ضد انقلاب شوروی حتی از دراز کردن دست همکارا بسوی بخشی از هیئت حاکمه نیز ابا می ندارد.

بدین ترتیب، در سالهای اخیر بارش بورژوازی لیبرال در جامعه، ما شاهد رشد یک فکر

لیبرالی هستیم که اساس مخالفتش را با رژیم در چارچوب قانون اساسی قرار میدهد؛ عبارت واضحتر آزادی در چارچوب قانون اساسی را طلب میکند تا در پرتو آن از نظر اقتصادی بتواند بیشتر و بیشتر رشد کند، و از نظر سیاسی بتواند حزب قانونی اش را داشته باشد، نمایندگان را به مجلس بورژوازی وابسته بفرستد، عقایدش را با حافل و نشریاتش تبلیغ نماید و غیره. بر این احقاق این خواستهای سازشکارانه، بورژوازی لیبرال نه تنها رژیم را در مقابل خود دارد، بلکه دشمن اصلی مبارزات قاطع توده های خلق و نمایندگان انقلابی آنان میباشد. بدین جهت است که نوک تیز حمله بورژوازی لیبرال در واقع نه علیه رژیم خرنخوار پهلوی، بلکه علیه این مبارزات قاطع میباشد. بی جهت نیست که از دهان سخنگوی خود، جاج سیدجواد، عریده میکند:

" ما در چارچوب نظمیکه منبعث از اصل قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر باشد، با هر گونه بی نظمی و اختلال، با شدت و صراحت مخالفیم. "

آری، بورژوازی لیبرال شدیداً و صریحاً مخالف هرگونه مبارزه قاطع و قهرآمیز است، چراکه این مبارزات منافع طبقاتی او را بخطر می اندازد و مانعی است در راه تبلیغات سازشکارانه او بقول رفقای مجاهد:

" این جریانهای بورژوازی لیبرالی که مهمترین تجسم سیاسی - تشکیلاتی آن در کمیته مرکزی حزب توده میباشد. در پوشش های به اصطلاح کمونیستی و همچنین مذهبی سعی در مسوم کردن انشان توده ها و انتشار اوام و رویزبونیستی و فرمیستی، سازشکارانه و تسلیم طلبانه خود دارند. " ولی مبارزات قهرآمیز خلق قهرمان ایران خود بهترین گواه اینست که حرکت تاریخی خلق هر نوع سازشکاری و خیانت را طرد مینماید و نیز ثابت میکند که بین منافع خلق و منافع بورژوازی لیبرال هیچ گونه قرابتی موجود نیست.

اگر در نتیجه تغییر و تحولات درونی جامعه لیبرالیسم در جامعه رشد کرده و خطری جدی برای انقلاب ایران بوجود میاورد، از طرف دیگر همین تغییر و تحولات باعث رشد دموکراتیسم پیگیر و باعث اوج گیری مبارزات دلیرانه و قهرآمیز توده های خشمگین خلق میشود. این مبارزات قهرآمیز آنچنان لرزهایی بر پیکر رژیم دست نشانده شاه، این سنگ زنجیری امپریالیسم آمریکا، انداخته است که از یکطرف اعمال سرکوب رانا وارد عمل کردن مستقیم ارتش ضد خلق خود پیش میبرد و از طرف دیگر تلاشی عبث در ماسک انسانی پوشانیدن برجهره کریه و خون آلود خود میکند.

ولی نه حملات درنده و تبلیغات گوشخراش رژیم و امپریالیسم و نه تشبثات سازشکارانه بورژوازی لیبرال، هیچکدام قادر نیست که حرکت تاریخی توده ها را سد نماید.

مادر اینجا بطور مختصر به بررسی قیام خونین تبریز پرداخته و نکات ویژه گه‌های برجسته‌ای چون قهرانقلابی و مضمون قیام، سازماندهی و شرکت انقلابیون در آن را توضیح می‌دهیم. همانطور که در فوق بدان اشاره کردیم گسترش فشار ناشی از شرایط عینی توده مردم و متغیرهای سیاسی - اقتصادی وارد بر آنها، گام به گام توده هرچه وسیع‌تری را بیدار می‌کند و حرکات اعتراضی، اعتصاب و تظاهرات... به تبعیت از امر فوق بوجود آمده و رشد می‌یابد. باید در نظر داشت که ناهنجار تر گردیدن موقعیت عینی توده ها زمینه مساعدتری را برای حرکت مبارزاتی آنها بوجود آورده و علاوه شرکت فزاینده تر مردم در امر مبارزه و ارتقا روحیه مبارزاتی، آگاهی و تجربه آنها در طی این مبارزه، توده های مستمیده را به حرکت‌های قهری و انفجاری بنحو چشمگیری سوق می‌دهد و بیش از پیش جنبش را از حالت مسالمت آمیز و آرام به حرکتی فعالتر، رزمنده تر خشن و بعد به شکل عالی تری از مبارزه یعنی به شکل قیام - سمت و سو می‌دهد. تمرکز فزاینده حمله ضد انقلاب - برجانبش مردم و یورش سیاسی - پلیسی - نظامی ارتجاع علیه مبارزات توده‌ها به حرکت مبارزاتی آنها فاعلیت بیشتری می بخشد و جسارت و تهور انقلاب را در میان توده مردم افزایش می‌دهد.

قیام تبریز نمونه برجسته‌ای از حرکت قهرآمیز توده جسارت و تهور و از خود گذشتگی آنها را بنمایش می‌گذارد. نمونه برجسته‌ای که بیان طرد شیوه های مسالمت جویانه و آرام و اعمال خشونت انقلابی توده می باشد. در پیکار قیام کسندگان تبریز عنصر قهر مقام مهمی را بخود اختصاص داده است. البته عنصر قهر در مبارزات توده‌های خود بخودی زحمتکشان در سالهای اخیر بیش از پیش درجه اهمیت بیشتری یافته است. بعنوان نمونه در مبارزات خارج از محدوده تهران که انقلابیون در آن فعالیت می نموده اند. زحمتکشان بمنظور فاع از سرنه و مسکن خود در مقابل تهاجم ارتجاع به اعمال قهری پرداختن تا جایی که نیروهای قهریه دولت را مجبور به عقب نشینی می نمایند در تبریز نسبت به حرکت در خارج از محدوده تهران اعمال قهر ابعاد وسیعتری بخود گرفته و علاوه ابتکار عمل در حرکت و اعمال قهر مستقیم از آن توده‌هاست. چراکه آنها هستند که قبیل از اینکه ارتجاع به خود بیاید حمله انقلابی می کنند و عملیات قهرآمیز خود را پیاده می سازند. آنها هستند که در موضع قدرت و تهاجمی قرار دارند و درست بعلم همین ابتکار عمل کنش‌های از حرکت عنصر آگاه و سازماندهی مبارزه می باشد که ارتجاع غافلگیر می شود. رژیم شاه گفت: " ما غافلگیر شدیم " زیرا که رژیم ابتکار را در دست نداشت او در مقابل حرکت توده در موضع انکاسی و تدافعی قرار می گیرد. حرکت قهرآمیز توده های مردم با پیشقدمی و داشتن نیروی ابتکار در حرکت پلیس شاه مزدور را به عقب نشینی وادار می نماید. در تبریز توده مردم گه ستم و استبداد طبقاتی رژیم شاه خائن را سالهای متعددی تحمل کرده است به قهر و روی می آورند. چراکه قوانین سرمایه دار و وابسته قانون انقیاد مردم توسط طبقه حاکم است. علاوه در هر لحظه از زندگی خود ستم‌دیدگان ستم استثمارگران را در تمام زمینه های سیاسی و فرهنگی اقتصادی و اجتماعی با گوشت و پوست خود احساس می کنند. آنها پیوسته تحت فشار قهر مستقیم و غیر مستقیم آشکار و پنهان سرمایه داری وابسته قرار دارند. در فلان کارخانه بعضی

اینکه کارگران دلاوراعتصاب می کنند ساواک و پلیس مزدور مداخله می کند و می‌کوشد تا بوحشیانه ترین شکلی آنها را سرکوب کند. دهقانان و اقشار خلقی دیگر در هر حرکتی در جهت کسب حقوق دموکراتیک خود مواجه با قهر و خشونت ضد انقلاب محمدرضا شاهی میگردند. بدین ترتیب با درهم شکستن قوانین و حقوق سرمایه وابسته و رژیم موجود قهر جامعه عمل بخود می‌گیرد. نظم موجود در ایران مطلق است که حاکمیت سرمایه داری وابسته را توجیه می‌کند. قوانین سرمایه داری نیز موظف به اجرای این نظم است. ولی توده مردم که نفی در حفظ این نظام و قوانین آن ندارند علیه آن بلند می‌شوند و قهر آنها بیان مشخص این اعتراض بحق میباشد. در روزهای مبارزه‌ای سرسخت توده‌ها درمی‌یابند که در هنگامی که ارتجاع تمام نیرو و شوای خود را جهت سرکوب آنها سازمان میدهد قوانین بورژوازی را باید ساقط نموده حرکت سازش با بورژوازی را طرد کرده و قهر انقلابی را ضرورتاً باید بکار گرفت. این زمینه مساعد در گامهای بعدی به توده متمکن می‌فهماند که می‌بایستی ضرورتاً اسلحه بکار برد. مردم دلبز تبریز به‌طور وسیع اشیاء اصلی انقلابی اعمال قهر را بکار می‌بندند. آنها از صحنه‌گاه هنگامی که در خیابانهای تبریز به حرکت درمی‌آیند و شروع به حمله موسسات و مراکز دولتی و امپریالیستی می‌نمایند. بانکهای ایران و انگلیس صادرات و بازرگانی و شهریاران و سمبولهای حضور امپریالیسم در میهن مورد یورش انقلابی توده قرار می‌گیرد. و مردم آنها را طعمه حریق می‌سازند. دادگستری و مرکز رستاخیز فاشیستی این مظاهر استمرکی و فاشیسم به آتش کشیده میشوند. انجمن ایران و آمریکا یکی از تبلورات حضور و حاکمیت امپریالیسم یانکی در ایران مورد حمله و سپس طعمه آتش خشم مردم می‌گردد. مزدوران رژیم نیز مورد یورش انقلابی قرار می‌گیرند... در تبریز اعمال قهر عریان انقلابی به بارزترین وجهی تبلور یافته، قهری که کوروسگردان نیست، قهری است که با توجه به موارد اعمال آن سمت دار و جهت دار می‌باشد و هدف سیاسی مشخصی را دنبال میکند. هدفی که انطباق می‌یابد با سمت مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق ما.

مضمون حرکت جنبش در تبریز چیست ؟

سازمان مجاهدین خلق ایران می‌نویسد: "سالیان درازی است که مبارزه ضد امپریالیستی خلق ما علیه سلطه استعمارگران سرمایه داری تجاوزگر جهانی، به اشکال گوناگون جریان دارد. زیرا مبارزه ضد امپریالیستی در میهن ما همواره جزء تجزیه ناپذیری از مبارزه علیه رژیمهای دست‌نشانده و طبقات ارتجاع حاکم در ایران بوده است." (ضمیمه مجاهد) در ایران ما مانند دیگر کشورهای تحت سلطه امپریالیسم بقا و حاکمیت ارتجاع بوسه در گرو سلطه و نفوذ امپریالیسم جهانی می‌باشد. امپریالیسم جهانی و بویژه امپریالیسم آمریکا بدون تکیه به رژیم مزدور و فاشیستی مانند رژیم شاه نمی‌تواند سلطه خود را ادامه دهد. و در عین حال رژیم وابسته شاه نیز بدون حمایت و پشتیبانی بدیخ امپریالیستها و بخصوص امریکائیهایی نمی‌تواند حاکمیت ثوم خود را بر میهن ما تضمین نماید. سرمایه داری وابسته اگر در ایران رشد می‌یابد و عنوان شیوه مسلط تولیدی مستقر میگردد، این امر در سایه نفوذ و حمایت سرمایه جهانی صورت می‌پذیرد. بدین ترتیب امروز در جبهه دشمن سه جزء لاینفک

قراری گیرند که عبارتند از امپریالیسم سرمایه‌داری، کمپرادور یا وابسته و رژیم فاشیستی پهلوی نمایند. آن از دیرباز مبارزه، خلق ما از زمان مشروطیت به اینسومبارزه علیه استعمار و امپریالیسم و ارتجاع بومی بوده است. و امروز نیز در هر گام مبارزاتی خلق این مبارزه و دووجه اساسی آن پیوسته بوقوع می‌پیوند. علاوه بر اینکه جدائید پیروان این دو جبهه مبارزه توده ایرانی یکی از دستاورد های مهم و اصولی جنبش نوین انقلابی میباشد، توده های خلق نیز این اصل انقلابی را در حرکت خود نمایان می‌سازند و یکبارگی می‌گیرند. تبریز که پیوسته از زمان مشروطه سنگری از مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی بوده، امروز یکبار دیگر این مضمون انقلابی را در خود نمایان می‌سازد. قیام توده‌ای تبریز با مضمون سیاسی خود بیان یک حرکت دمکراتیک-ضد رژیم و ضد امپریالیستی می‌باشد. اگرچه هنوز از شعار های قیام بطور مشخص اطلاعی در دست نیست ولی حرکت مردم و موارد مشخص اعمال قهرآنان بیان این حقیقت می‌باشد. چرا؟ بانکهای یکی از ابزارهای اعمال نفوذ امپریالیسم در ایران می‌باشند. بانکهای ایران توسط سرمایه امپریالیستی و وابسته اداره شده و یکی از ابزارهای مهم استثمار خلق زحمتکش ما-شمار می‌آید. بانکهای چون صادرات، ایران و انگلیس، ایران و هلند، بازگانی و غیره بیان مشخص و ملموس و عینی حضور امپریالیسم در ایران است. حال موقعی که این موسسات امپریالیستی وابسته مورد یورش انقلابی مبارزه توده‌ای مردم قرار می‌گیرند بیان چه چیز دیگری جز مضمون ضد امپریالیستی قیام تبریز می‌باشد؟ انجمن ایران و آمریکا یکی از مراکز انتشار فرهنگ امپریالیستی در ایران بمنظور تحمیل مردم و مقابله با فرهنگ مرفعی و انقلابی می‌باشد، حمله توده مردم به این پایگاه فرهنگی سیاسی امپریالیسم آمریکا در ایران و به آتش کشیدن آن بیان چه امر دیگری جز سمت ضد امپریالیستی مبارزه خلق ما می‌باشد؟ بعلاوه حمله به اداره دادگستری تبریز که بیان مشخصی از سنگری و بیداری استشارگران می‌باشد حمله و به آتش کشیدن مرکز حزب فاشیستی رستاخیز که تبلوری از فاشیسم و دیکتاتوری و اعمال زور ضد انقلابی بر خلق ماست، حمله و زخمی نمودن مزدوران دولتی و پلیس و آتش زدن موتور سیکلت های پلیس و اتومبیل های دولتی مانند اتومبیل های شرکت تعاونی و حزب رستاخیز و اتومبیل های پلیس مزدور شاه... همه و همه چه بیان دیگری جز سمت ضد ارتجاعی ضد رژیم قیام در تبریز و مضمون دمکراتیک آن می‌باشد؟ بدین ترتیب درمی‌یابیم که در قیام تبریز مبارزه‌ای توده‌ای که مضمون و محتوی کاملاً سیاسی داشته و دارای سمت مشخص دمکراتیک و ضد امپریالیستی می‌باشد. مبارزه‌ای که رژیم فاشیست شاه و اربابان امپریالیست اش را همزمان و پیگیر مورد حمله انقلابی خود قرار می‌دهد. مبارزه‌ای است که بحق به هیچ قانون امپریالیستی و سرمایه‌داری وابسته احترام نمی‌گذارد، آنرا درهم می‌شکند چرا که آنرا مدافع منافع استعمارگران بین المللی و کارگزاران بومی ایشان میدانند. ولی به قانون مقدس توده مردم یعنی اعمال قهر انقلابی علیه تجاوزگران و استثمارگران ارجح می‌گذارد و در سمت سرنگونی قهرآمیز رژیم وابسته پهلوی و کسب آزادی و استقلال واقعی بجلو می‌رود.

امر سازماندهی قیام چگونه ارزیابی میشود؟

آنچه که در نگاه اول به نظری آید اینست که این قیام از میزان نسبتاً کمی از سازماندهی و تدارک قبلی برخوردار بوده است. و این سازمان دهی و تدارک محدود به شهر تبریز نمیشد، بلکه منطقه بزرگ تری را در برمی گرفته است. در کیهان ۲ اسفند می آید: "تظار کنندگان از دیگر نقاط برابر پیش بینی قبلی ... به این عمل ... مبادرت ورزیدند." و یا "تعدادی از کسانی که دستگیر و بازداشت شده اند افرادی هستند که در شهرها و بخش های دیگر آذربایجان به پخش اعلامیه و یافعالیت های مشابه پرداخته بودند." این گفته بیان میدارد که کارهای تدارکاتی براساس "پیش بینی قبلی" یعنی سازماندهی پیشین در نظر گرفته شده و حرکت قیام بمیزان بسیاری تدارک شده است. در واقع از یک هفته قبل از شنبه و یکشنبه در تبریز تظاهرات پراکنده موجود بوده و گویای این امر است که در حین پیشروی حرکت اعتراضی مردم در طی هفته، سازماندهی یک حرکت بزرگتر و عمیق تر در مد نظر بوده است. بعلاوه میزان بالای قدرت سازماندهی قیام سیاست تجمع و تفرقه که در سطح توده های آن انجام می پذیرد و عملیات تقریباً برنامه ریزی شده آن این امر را مشخص می کند.

حرکت مردم از چند نقطه شهر در یک زمان، تلاقی کردن صف بخش های مختلف تظاهر کنندگان در یک نقطه، مانند میدان شهرداری و دوباره تقسیم شدن آن به ۴ بخش بازگشت کننده یک برنامه حرکت و مسیر تظاهرات می باشد. هر بخش از تظاهرات کنندگان در مسیر حرکت خود اهداف مشخص را دنبال می کند مثلاً حمله به این یا آن مرکز و برای اینکار تقسیم کار موجود است در کیهان می آید: "در حالیکه عده ای به آتش زدن بانک ایران و انگلیس مشغول بودند گروه دیگری وارد بانک ملی شدند و تمام شیشه های آن را درهم شکستند." (۳۰ بهمن). بعلاوه در جلوی صف هر بخش یک موتور سوار موجود است که قیام کنندگان را هدایت می کند و مسیر آنها معین می نماید.

کیهان ۱ اسفند از زبان شخصی می نویسد: "ناگهان در خیابان پهلوی با عده ای سنگ بدست مواجه شدم، یکی از آنها سوار بر موتور سیکلتی بود که خورجینی برترکش بود و در جلوی مهاجمان حرکت می کرد. وی از خورجین جسم گردی را برمیداشت و به مغازه ها و بانکها پرتاب میکرد که مغازه ها و بانکها بلافاصله آتش می گرفت."

مطلب فوق نشان میدهد که حرکت تظاهر کنندگان نه تنها سرگردان و گیج نبوده، بلکه دارای نیروی هدایتگر بوده که نه تنها مسیر حرکت را معین می کرده، موارد حمله را مشخص می نموده ... بلکه بعلاوه خود نیز حامل ابزار مبارزاتی بوده است.

در این قیام از نقطه نظر تکنیک مبارزه نیز تدارکاتی دیده شده است. و برای حمله و مسائل لازم وجود دارد: کوکل مولوف، سنگ، چوب ... از جمله ابزارهایی هستند که قیام کنندگان بدانها مسلح هستند. مردم دست خالی نیستند بلکه دارای حداقل ابزار حمله و یا دفاع می باشند. بکار بردن کوکل مولوف بمیزان بسیار زیادی خود بیان دیگری از - سازماندهی قبلی در زمینه تکنیک مبارزه می باشد.

این سازماندهی قیام تا اندازه ای مناسب انجام گرفته که با درست داشتن اتسکار عمل و پیشقدمی نسبت به نیروهای دشمن در طی نبرد صبح از ساعت ۹ تا ۱ بعد از ظهر پلیس

مجبور به عقب نشینی میکرد. این سازماندهی به اندازه ای استحکام دارد که صرفی تظاهر کنندگان شکسته نمیشود و بدون اینکه درگام و حرکت اول خود متلاشی و راکنده گردد بمحرکت خود ادامه می دهد، رشد می کند تا هنگامی ارتش بدنبال عقب نشینی پلیس وارد میدان عمل میگردد.

بدین ترتیب علیرغم کوششهای محافظه کارانه ای از جمله از جانب برخی از روحانیون که سعی میکردند تا مردم را به درون مساجد بکشانند و در فضای بسته آن جنبش را حبس کنند جنبش در میان کوچه و خیابان و میدانها به حرکت رزمند و پیروزمند خود ادامه میدهد. در روزنامه کیهان ۳۰ بهمن می آید: "قبلا اعلام شده بود که عده ای در مساجد و تکیا اجتماع خواهند کرد، لکن بر اثر تحریکات پاره ای عوامل شناخته شده که خود را مارکسیست اسلامی می نامند، چند گروه در خیابانها بر اه افتادند و در حالیکه شعارهای کمونیستی و ضد ملی میدادند به مفازها و بانک ها حمله میبردند." ویا "افتشاش از ساعت ۹ بامداد دیروز، توسط عده ای که در خیابانهای مرکزی شهر به راه افتادند آغاز شد."

بدین ترتیب قیام با هدایت نسبی صحیح خود می تواند از صبح تا ۱ بعد از ظهر و سپس از ۴ بعد از ظهر تا آخر شب وفردای آنروز نیز تداوم پیدا کند. و دستاوردهای بسیار را از آن خود نماید.

شرکت نیروهای انقلابی و آگاه در قیام

حرکت موفق قیام در حقیقت منتج هدایت نسبی آن می باشد. آنچه مسلم است نمیتوان گفت که این قیام توده ای تحت یک مرکزیت انقلابی قرار دارد. زیرا نیروهای انقلابی میهن هنوز به آنچنان پیوند عمیق تشکیلاتی با جنبش توده نرسیده اند. و طبیعتا تا ایجاد ستاد فرماندهی انقلابی واحد راه درازی در پیش است ولی باید متذکر شد که نمیتوان گفت که این قیام از هرگونه شرکت عنصر آگاه و انقلابی تهی بوده است. این قیام قیامی خود بخودی ولی کاملا سیاسی است. بخشهایی از جنبش نوین انقلابی که یا اعلام وجود کرده اند و به شکل سازمانی نجسم یافته اند و یا به شکل هسته های مخفی کوچک انقلابی وجود دارند به سوی زحمتکش سمت گیری نموده و بانوجه به توان خود در میان توده فعالیت می نمایند. ارتباط سیاسی - تشکیلاتی بین بخشهایی از جنبش نوین انقلابی که این ضرورت را درک کرده و متابه محور و پایه و اساس کار خود ارزیابی نموده است - و جنبش توده زحمتکش اگرچه در گامهای اولیه خود به سر می برند، ولی همین گامها گامهای پر ارزش و کیفیتی بشمار میروند که در حرکت رشد یافته خود تضمین کننده پیروزی برگشت ناپذیر جنبش توده بر ارتجاع می باشد.

در قیام تبریز اگر چه نیروهای رفرمیست و محافظه کار کوشیدند جنبش مردم را به تحت سیاست مسالمت جویانه خود بکشانند و از میان آنان می توان از حرکت بخشی از روحانیون محاذی کار در کنترل توده مردم و جنبش آنان در کار قوانین موجود یاد نمود. اینان سعی نمودند تا مردم را به درون مساجد بکشانند و از مرکزهای انجاری و رادیکال آنان جلوگیری نمایند ولی فعالیت نیروهای مترقی، رادیکال و انقلابی چه مذهبی و چه کمونیستی موفق میشوند که اساسا جنبش را که بالنسبه هدایت می شد را به زیر سیاست خود کشانده و جنبش را در میان خیابان و میدان

بکشاند و جنبه بسیار قهرآمیز و رادیکالی به آن ببخشند و مضمون دمکراتیک و دماپیریالیستی آن را مشخص و ارتقا دهند . درواقع می توان بیان داشت که مبارزه بین دوخط یکی حرکتی مسالمت جویانه قانونی غیر انقلابی است و دیگر حرکتی که خواهان گسترش جنبه های قهرآمیز نظام را است ارتقا مضمون و محتوی آن و درواقع حرکتی انقلابی است . درطی یک روند این حرکت دوم است که عمدتا غالب می گردد . اگر حتی بخشهایی موجود بوده که به زیر سیاست و شعارهای خط اول قرار داشته اند ولی بنظر می آید بخش مهم آن برپایه سیاست و شعارهای خط دوم می باشد . بدین ترتیب می توان چنین ارزیابی کرد که قیام یک قیام توده ای سیاسی قهرآمیز بوده و نقش انقلابی ایفا می نموده است .

قیام خونین تبریز وظایف مبارزاتی مارا چگونه مشخص تر می کند

استنها راه بدست آوردن دمکراسی واستقلال خلق، سرنگونی رژیم منغور شاه توسط قیام و مبارزه مسلحانه توده های باشد .

درجوامع طبقاتی نظیر جامعهما يك طبقه ویا طبقاتی که درحاکمیت بسر می برند برای حفظ وسط منافع طبقاتیشان نیاز به اعمال دیکتاتوری طبقاتی خویش درمقابل طبقات متخاصم دیگر دارند . بنابراین درایران امروز ما نیز سرمایه داری وابسته ایران بااعمال دیکتاتوری طبقاتی خود سعی درحفظ وسط منافع وقدرت خویش می کند ویدین منظور ابزارواهرمهای گوناگون حفظ این حاکمیت طبقاتی را نیز بوجود میاورد . ارتش ، ساواک ، رستاخیز ، پلیس و... هرکدام یکی ازاین اهرمها می باشند .

ارتش به مثابه یکی از ارکان اساسی حفظ حاکمیت طبقاتی سرمایه داری وابسته ایران نقشش درسرکوب شدید مبارزات خلق ایران حائز اهمیت بسیار می باشد رژیم منغور شاه درهمین تجربه قیام خونین تبریز نشان داد که چگونه برای حفظ حاکمیت طبقاتی سرمایه داری وابسته زمانیکه منافع طبقاتی اش توسط مبارزات توده های تحتستیم واستثمار درخطرجدی قرار میگیرد چگونه این اهرم را بحرکت درآورده وسیعی درسرکوب بی امان مبارزات خلق می نمایند نیروی زمینی و نیروی هوایی بگرمی افتد وظیفه ننگین سرکوب نظامی قیام توده های تحت ستم خلق را بعهده میگیرد ودرست بدین دلیل است که درحدودنیمی از بودجه ایران صرف خرید مهمات وتجهیزات نظامی شده وکارشناسان ومستشاران دولتهای امپریالیستی بطور مستقیم در ارتش حضور داشته درانسجام آن درتعلیم افراد ودرتجهیز هرچه بیشتر آن می کوشند حضور بیش از ۳۵ هزار مستشار آمریکایی در ایران بهترین دلیل این امراست خود رژیم دراین باره می گوید : " پاسداری از مرزهای خارجی ، بهمان اندازه اهمیت دارد که نگاهداری نظم وقانون در داخل کشور " (کیهان ۳۰ بهمن) به عبارت دیگر رژیم نقش ارتش را دقیقاً " پاسداری نظم وقانون درداخل کشور " اعلام می کند به عبارت دیگر این ارتش وظیفه اش دفاع از نطقی است که براساس آن اقلیت بسیار ناچیزی از جامعه می بایست استثمار برهبر کشی از توده های خلق را هرروز وسعت وشدت بیشتری بخشد وبخش وسیع توده های میلیونی ، استثمار شوند وپسره رسان آنها باشند بازویشان نیرو وتوانایشان انبان زروزر مشتی سرمایه دار زالو صفت را انباشته تر گرداند وظیفه اش دفاع از نظمی است که امپریالیست هلتوانند تابدا نجابی که میتوانند بند های استثمار وپسره کشی را بر دست وپای خلق ستم دیده ما فشرده تر نمایند . بنابراین طبق گفته خود رژیم ارتش حافظ قانون است قانونی که خط به خطش دفاع از منافع سرمایه داری وابسته ایران عمل می نماید عبارت دقیق تر ارتش وظیفه اش دفاع از حاکمیت طبقاتی سرمایه داری وابسته ایران است .

وظیفه ماست که درعین افشای عریک ازاین اهرمها و ابزارهای سرکوب طبقاتی سرمایه داری وابسته ایران وروشن نمودن ماهیت آنها نشان دهیم که فقط زمانی این سرکوب طبقاتی قادر است از جامعهما رخت بپوشد که کل سیستم حاکمیت طبقاتی سرمایه داری وابسته ایران نابود گردد . بنابراین چگونه می توان به علیه جزئی از این سیستم مبارزه کرد ووانمود نمود که باز بین بردن این

جزء آزادی و دموکراسی برای توده های میلیونی زحمتکشان تامین میگردد. آزادی و دموکراسی خلق ما زمانی تامین میگردد که کل سیستم و نظام استبدادگر امروز نابود گردد و حاکمیت زحمتکشان بر جامعه استوار گردد بنابراین نمیتوان بادیکتاتوری شاه مخالفت کرد و ادعا نمود که با از بین بردن دیکتاتوری شاه خلق ما از دموکراسی برخوردار می گردد نمی توان خواهان از بین بردن ساواک بود و ندانست که بدون ساواک خلق ما دیگر ستم و استثمار سرمایه داری و وابسته را نخواهد چشید آزادی و دموکراسی توده های رنجبر و زحمتکش میهن ما فقط در گرو یک امر است نابودی کل نظام سرمایه داری وابسته، نابودی کلیه ابزارها، اهرمها و ارکان حاکمیت طبقاتی آن. و این ارتش توانای خلق این قدرت لایزال توده ها این انقلاب قهرآمیز توده های میلیونی خلق ماست که قادر است چنین امری را پاسخ گوید.

۲- قیام خونین تبریز باریگر وظیفه ما را در دفاع از مبارزات زحمتکشان میهن دفاع از تهاجم قهرآمیز آنها، درس آموزی از مقاومت، پایداری و جسارت انقلابی آنها مشخص تر و خطرناک تر نموده و حقانیت تاریخی آن را بیشتر عریان می سازد بررسی این قیام قهرآمیز بمانشان میدهد که چرا باید دفاع از منافع توده های زحمتکش دفاع خود را از جنبش نوین انقلابی، از آن حرکت انقلابی که نمایندگی زحمتکشان میهن ما را می نماید قاطع ترکیم.

زحمتکشان و بویژه طبقه کارگر میهن ما بدلیل آنکه شدیدترین ستم و استثمار را از جانب سرمایه داری وابسته ایران متحمل میشوند فقط در درک منافع کلیت سیستم است که شکوفائی منافذشان تامین میشود کوچکترین زمینه آشتی طبقاتی بینشان موجود نبوده و آنچه هست تضادی آشتی ناپذیر است و در تکامل این سیستم بازهم تضادی عمیق تر.

بدین دلیل این انتشار و طبقات زحمتکش مبارزهای قاطع حاد و تا به آخر انقلابی را علیه دشمن طبقاتی خویش به پیش برده و سرانجام حاکمیت طبقاتی خود را به جامعه مستقر خواهند نمود بنابراین دفاع از منافع توده های زحمتکش حرکت بر مبنای مشی دموکراتیک آنها و بویژه حرکت بر مبنای پیگیرترین مشی دموکراتیک یعنی مشی دموکراتیک پرولتاریا از حقانیتی تاریخی برخوردار بود و بیان آن حرکت، صحیحی است که در پایانش دموکراسی واقعی توده های زحمتکش برقرار خواهد شد بنابراین دفاع ما از قیام خونین تبریز یعنی دفاع از منافع زحمتکشان جامعه، و این هیچ مفهومی ندارد مگر دفاع از حرکت قهرآمیز آنها تبلیغ این قهر و نشان دادن اینکه چگونه توده های زحمتکش میهن ما در مبارزه خویش کلیه مشی های سازشکارانه و فرمیستی را مهر باطل می گویند. دفاع ما از قیام خونین تبریز یعنی تبلیغ مضمون دموکراتیک - ضد امپریالیستی مبارزات آنها، دفاع ما از قیام پیشکوه تبریز یعنی دفاع از آن حرکت اصیل انقلابی که کوشش در جهت سمت بخشی و رهبری مبارزات زحمتکشان دارد تا قدم به قدم پیروزی را نصیب آنها نموده و سرانجام توده های آگاه و بسیج شده و متشکل و مسلح خلق ما قادر گردند دشمن طبقاتی - خویش را بگور تاریخ بسپارند دفاع ما از قیام خونین تبریز یعنی درس آموزی از کلیه زوایای نبرد پیشکوه آنها و در نهایت دفاع ما از قیام خونین تبریز یعنی ضرورت مستحکم ترک کردن پیوند خود با مبارزات زحمتکشان میهنان.

۳- سومین وظیفه مشخصی که بررسی این قیام خونین برای ما دقیق تری نماید وظیفه مبارزه قاطع تر علیه کلیه مشی های سازشکارانه و بورژوا لیبرالی است. بررسی این قیام خونین به ما

نشان میدهد که چگونه مشتی لیبرال کوشش نموده اند حرکت مبارزاتی توده ای خلق مباراد در فضای بسته مساجد محدود کرده مبارزات آنها را تپی از قهرنموده و آن را به سازش با رژیم در جهت برآورده شدن منافع خویش بکارگیرند ولی حرکت و مبارزه قاطع نیروهای انقلابی که در مبارزه علیه این مشی با آلت ناتویو قرار دادن راه مبارزه قهرآمیز در مقابل راه سازشکاری در برابر توده های خاسق، موفق میشوند که مشی تسلیم طلبانه لیبرالی را شکست داده و راه واقعی راهی که قیام و مبارزه مسلحانه توده ها را نوید میدهد آلت ناتویو پیروز آن گردانند. و قیام خونین توده ها بدرستی نشان داد که تلاش منبوخانه لیبرال تسلیم طلب در مقابل مشی انقلابی شکست خورده است، وی جهت نیست که پس از آن مشاهده آن هستیم که شریعتمداریها "عزاداری را در تکیا مساجد" معقول دانسته و حرکت قهری و تهاجمی توده ها را شدیداً محکوم می کنند اینها بدلیل ماهیت سازشکار خود در شکست خود خشمگین شده اند فریاد اعتراض بلند کرده اند که چرا توده های زحمتکش قریب این سازشکاران را نخورده و علیه منافع آنان حرکت نموده اند ولی فریاد خشم آنها در طنین پرشکوه اوچگیری مبارزات قهرآمیز توده های خلق محکوم به خاموشی است. دارودسته خائن کمیته مرکزی این عامل ابر قدرت شوروی در ارتباط با قیام خونین تبریز قهر انقلابی مردم را حرکت ساواک معرفی می نمایند. "مردم" ورق پاره ننکین کمیته مرکزی خائن می نویسند: "در جریان این حوادث رژیم بنا بشیوه همیشگی خود با دست زدن به یک سلسله خرابکاری بدست چاقو کشان و اوباشان ساواک. در تقلا ست این بربریت آدمکشانه خود را توجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق حقه قانونی خود در نهایت نظم دست بظواهر زده بودند، مورد آزار و اهانت و تعقیب قرار دهد." (۱۵ اسفند ۵۶) کمیته مرکزی مزدور با و تاحت تمام مبارزات قهرآمیز و دلاورانه توده را مبارزه "قانونی" و "در نهایت نظم" معرفی می کند و اعمال قهر انقلابی زحمتکشان علیه ارتجاع را "خرابکاری" ارزیابی می کند و توده ها تحت ستم میهن ما را که به قهر انقلابی متوسل شده اند را اوباشان ساواک "معرفی مینماید" باند جاسوسی کمیته مرکزی در ورق پاره "آینده" شماره ۱۲۹ با تحریف آشکار و وقیحانه مبارزات ضد رژیم ضد امپریالیستی توده ها می نویسند: "تظاهر کنندگان نقابدار... خواستار آزادی زندانیان سیاسی و بازگشت حکومت قانون به ایران بودند." "آری این توده های مردم مانع شدند که خواهان "حکومت قانون" هستند آنان خواهان منهدم ساختن نظام استثمارگرانه گمونی می باشند وی دانند که "حکومت قانون" یعنی حکومت باند سیاه سرمایه داران وابسته و حاکمیت امپریالیسم. یعنی حکومت ننگین باند سلطنت محمد رضا شاه خائن. در حقیقت باید بیان داشت که از انجا که مشی این دارودسته بر پایه سازش و وحدت با بخش مهمی از هیات حاکمه مزدور ایران بوده، بقای نظام ارتجاعی فعلی شمار این باند ضد خلقی می باشد. نظامی که برای کمیته مرکزی "حکومت قانون" است نظام استثمارگران و چپاولگران علیه ستمدیدگان و استثمارشدگان خلق ماست. پیروزی توده مرکب کیهان ارتجاعی و سازشکاران است و اینک این طنین پرشکوه در شهرهای مختلف ایران بگوش می رسد بنابراین بررسی این قیام پرشکوه بمانشان میدهد که چگونه باید کیهانی های لیبرالی تسلیم طلب را افشا نموده و علیه آنها مبارزهای سخت و پیگیر سازمان دهیم.

آری قیام تبریز این قیام خونین توده‌ها . هنوز آغاز توفان و تلام بازم بزرگ انقلاب بی توده‌هاست برماست که در دفاع و درس آموزی از آن هرچه کوشا تر باشیم.

گرامی باد قیام تبریز . راهی که نوید بخش قیام و مبارزه مسلحانه خلق است !

پیسروز باد مبارزات مسلحانه توده‌ای تنها راه‌هایی خلق !

پیروز باد مبارزات خلق قهرمان ایران و پشتاز آن جنبش نوین انقلابی !

طرد باد مشی لیبرالی سازشکار و تشبثات تسلیم طلبانه آن !

سرنگون باد رژیم مغفور شاه مگ زنجیری امپریالیسم آمریکا !



رفقا . دانشجویان مبارز باتمام توان مبارزاتی
خود به سازمان مجاهدین خلق ایران یاری رسانیم



کمیته پشتیبانی از خلقهای ایران

آدرس بانکی :

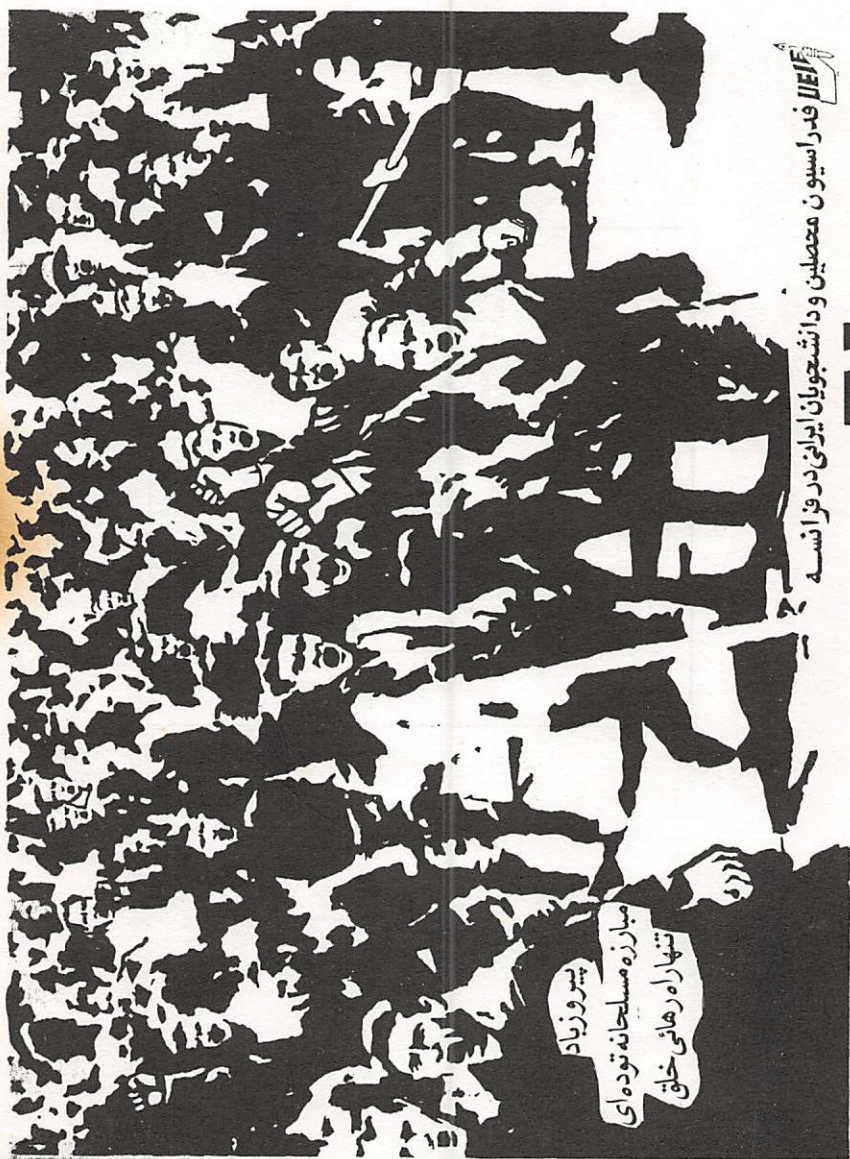
آدرس پستی :

Account No. 59397
Streamer Point Branch
National Bank of Yemen
P . D . R . Y .

P.O. Box 246
Crater Aden
P . D . R . Y .



فدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در فرانسه



آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org